



بیانات در خطبه‌های نماز جمعه - 23 / تیر / 1368

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين نحمده و نستعينه و نؤمن به و نتوكل عليه و نصلى و نسلم على حبيبه و نجيبه و خيرته فى خلقه حافظ سرّه و مبلغ رسالاته سيّدنا و نبينا ابى القاسم محمّد و على اله الأطيبين الأطهرين المنتجبين الهداة المهديّين المعصومين سيّما بقيّة الله فى الارضين و صلّ على ائمة المسلمين و حماة المستضعفين و هداة المؤمنين. اوصيكم عباد الله بتقوي الله و نظم امركم

همه‌ی برادران و خواهران عزیز نمازگزار را به رعایت تقوای الهی و یاد خدا در همه‌ی مراحل زندگی و پناه بردن به او در همه‌ی مشکلات و امید بستن به فضل الهی در همه‌ی کارها و تلاشها و مجاهدتها، دعوت و توصیه می‌کنم.

چهل روز از فقدان عظیم و مصیبت بار امام بزرگوارمان میگذرد و این اولین جمععی است که من در فقدان آن عزیز به نماز جمعه می‌آیم و با شما امت وفادار و یاران مخلص او روبه‌رو می‌شوم. باور کردن این حقیقت تلخ، بسیار سخت است. در طول سالهای گذشته، تصور دنیای بیروح و فضای افسرده و زندگی غم‌انگیزی که در آن، امام و رهبر و مراد و معلم و مرشد و پدر و امید ما حضور نداشته باشد، برایمان بسیار دشوار بود.

پروردگارا! ما در این مصیبت به تو پناه می‌بریم، از تو تسلا می‌جوییم، از تو کمک می‌خواهیم و به تو شکوه می‌کنیم. ای بقیة الله، ای حجة بن الحسن العسکری! تسلیت این مصیبت بزرگ را به تو عرض می‌کنیم.

از خود آن معلم بزرگ و پدر مهربان آموخته‌ایم که مصیبت‌ها را - هرچند بزرگ باشند - باید تحمل کرد. یاران و مؤمنان، مصیبت رحلت پیامبر اسلام (ص) و شهادت علی بن ابی طالب (ع) و دیگر مصیبت‌های بزرگ را تحمل کردند و از مصیبت، وسیله‌ی عروج و پلکانی به سمت هدفهای والا و بلند ساختند. ما هم ای امام بزرگ و ای خمینی عزیز! از خدای تو کمک می‌گیریم و درسهای تو را، درس زندگی خود قرار می‌دهیم، تا شاید از این مصیبت، پلکانی به سمت هدفهای والا و عزیزی که یک عمر در راه آن مجاهدت کردی، بسازیم.

امروز مایلیم در خطبه‌ی اول راجع به امامان صحبت کنم. درباره‌ی او خیلی حرف زده شد؛ اما به اعتقاد من هنوز زود است که تحلیل‌گرهای جهانی بتوانند امام بزرگوار را بدرستی بشناسند؛ شخصیت عظیمی که در طول تاریخ بعد از انبیا و اولیا، امثال او بسیار بندرت ظهور میکنند. آنها کارهای بزرگ انجام می‌دهند و مثل برق میدرخشند و فضا را منور میکنند و می‌روند.

امام بزرگوار ما کارهای بزرگ متناسب با بزرگی خود انجام داد و من امروز بعضی از آنها را به یاد شما می‌آورم. یقیناً اگر تحلیل‌گرها و متفکران کارهای بزرگ امام امت را فهرست کنند، چند برابر آن چیزی خواهد شد که من امروز آنها را برمی‌شمارم.

اولین کار بزرگ او، احیای اسلام بود. دویست سال است که دستگاههای استعماری سعی کردند تا اسلام به دست



فراموشی سپرده شود. یکی از نخست‌وزیرهای انگلیس در جمع سیاستمداران استعماری دنیا اعلام کرده بود که ما باید اسلام را در کشورهای اسلامی منزوی کنیم! قبل و بعد از آن نیز پولهای گزافی خرج شد تا اسلام در درجه‌ی اول از صحنه‌ی زندگی، و در درجه‌ی دوم از ذهن و عمل فردی انسانها خارج شود؛ چون میدانستند این دین، بزرگترین مانع در راه چپاول قدرتهای بزرگ و استکباری است. امام ما اسلام را دوباره زنده کرد و به ذهن و عمل انسانها و صحنه‌ی سیاسی جهان برگرداند.

دومین کار بزرگ او، اعاده‌ی روح عزت به مسلمین بود. این‌گونه نبود که اسلام صرفاً در بحثها و تحلیلهای دانشگاهها و صحن جامعه و زندگی مردم مطرح شود؛ بلکه بر اثر نهضت امام ما، مسلمانها در همه جای عالم احساس عزت کردند.

یک نفر مسلمان از کشوری بزرگ که مسلمین در آن در اقلیت قرار دارند، به من میگفت: قبل از انقلاب اسلامی، مسلمان بودن خود را هرگز اظهار نمیکردیم. طبق فرهنگ آن کشور، همه اسم محلی داشتند، و هرچند خانواده‌های مسلمان روی بچه‌های خود اسم اسلامی می‌گذاشتند، اما جرأت نمیکردند آن اسم را اظهار کنند و از بیان آن خجالت میکشیدند! اما بعد از انقلاب شما، مردم ما با افتخار اسم اسلامی خود را می‌گویند، و اگر از آنها بپرسند که شما چه کسی هستید، اول آن اسم اسلامی را با افتخار بر زبان می‌آورند.

بنابراین، با کار بزرگی که امام (ره) انجام داد، مسلمانها در همه جای دنیا احساس عزت میکنند و به مسلمانی و اسلام خود میبالند.

سومین کار بزرگ او این بود که به مسلمانها احساس درک امت اسلامی داد. قبل از این، مسلمانها در هر جای دنیا که بودند، چیزی به نام امت اسلامی برایشان مطرح نبود و یا اصلاً جدی تلقی نمیشد. امروز همه‌ی مسلمانها در اقصای آسیا تا قلب آفریقا و تمام خاورمیانه و در اروپا و آمریکا، احساس میکنند که جزو یک جامعه‌ی جهانی بزرگ به نام امت اسلامی هستند. امام احساس شعور نسبت به امت اسلامی را ایجاد کرد، که بزرگترین حربه برای دفاع از جوامع اسلامی در مقابل استکبار است.

چهارمین کار بزرگ او، ازاله‌ی یکی از مرتجعترین و پلیدترین و وابسته‌ترین رژیمهای منطقه و جهان بود. ازاله‌ی حکومت پادشاهی در ایران، یکی از بزرگترین کارهایی بود که کسی نمیتوانست آن را تصور کند. ایران مهمترین دژ استعمار در منطقه‌ی خلیج فارس و خاورمیانه بود. این دژ، به دست امام ما در هم فرو ریخته شد.

کار پنجم او، ایجاد حکومتی بر مبنای اسلام بود؛ چیزی که به ذهن مسلمانها و غیرمسلمانها خطور نمیکرد، و خواب خوشی بود که مسلمانهای ساده‌لوح هم هرگز آن را با خود تصور نمیکردند و نمیدیدند. امام (ره) در حد یک معجزه، به این خیال افسانه‌آمیز لباس واقعیت پوشاند.

کار ششم او، ایجاد نهضت اسلامی در عالم بود. قبل از انقلاب اسلامی، در بسیاری از کشورها و از جمله کشورهای اسلامی، گروهها و جوانها و ناراضیها و آزادیطلبها، با ایدئولوژیهای چپ وارد میدان میشدند؛ اما بعد از انقلاب اسلامی، پایه و مبنای حرکتها و نهضتهای آزادیبخش، اسلام شد. امروز در هر نقطه‌یی از دنیای وسیع اسلام که



جمعیت یا گروهی به انگیزه‌ی آزادیخواهی و ضدیت با استکبار حرکت میکنند، مبنا و قاعده‌ی کار و امید و رکنشان، تفکر اسلامی است.

هفتمین کار بزرگ او، نگرشی جدید در فقه شیعه بود. فقاہت ما پایه‌های بسیار مستحکمی داشته و دارد. فقاہت شیعه، یکی از محکمترین فقاہت‌ها و متکی به قواعد و اصول و مبانی بسیار مستحکمی است. امام عزیزمان این فقه مستحکم را در گستره‌ی وسیع و با نگرشی جهانی و حکومتی مورد توجه قرار داد و ابعادی از فقه را برای ما روشن کرد که قبل از آن روشن نبود.

کار هشتم او، ابطال باورهای غلط در باب اخلاق فردی حکام بود. در دنیا پذیرفته شده است که کسانی که در رأس اجتماعات قرار میگیرند، اخلاق فردی خاصی داشته باشند! تکبر ورزیدن، برخوردار بودن از زندگی راحت و مسرفانه، تجمل‌گرایی، خودرأیی و خودخواهی و امثال اینها، چیزهایی است که مردم دنیا قبول کردند که کسانی که در رأس حکومتها قرار میگیرند، این اخلاق را داشته باشند. حتی در کشورهای انقلابی، انقلابیونی که تا دیروز زیر چادرها زندگی میکردند و در دخمه‌ها مخفی میشدند، به مجرد این که به حکومت میرسند، وضع زندگیشان عوض میشود و اخلاق حکومتیشان تغییر میکند و همان وضعیتی را به خود میگیرند که بقیه‌ی سلاطین و رؤسای عالم داشتند! ما از نزدیک چنین چیزی را دیده‌ایم؛ برای مردم هم مایه‌ی تعجب نیست.

امام ما این باور غلط را عوض کرد و نشان داد که رهبر محبوب و معشوق یک ملت و دیگر مسلمانان عالم، میتواند زندگی زاهدانه‌ی داشته باشد و به جای کاخهای مجلل، در یک حسینیه از دیدارکنندگان پذیرایی کند و با لباس و زبان و اخلاق انبیا با مردم برخورد کند.

اگر دل‌های حکام و زمامداران به نور معرفت و حقیقت روشن شده باشد، تجمل و تشریفات و اسراف و برخورداریهایی زیاد و خودرأیی و تکبر و استکبار، جزو لوازم حتمی زمامداری آنها محسوب نمیشود. از معجزات بزرگ آن بزرگوار این بود که هم در زندگی خود و هم در آن دستگاهی که به وجود آورده بود، نور معرفت و حقیقت تجلی یافته بود.

کار نهم او، احیای روحیه‌ی غرور و خودباوری در ملت ایران بود. برادران عزیز! حکومت‌های استبدادی و فردی، سال‌های متمادی ملت ما را به صورت ملتی ضعیف و مستضعف و توسریخور در آورده بودند؛ ملتی که از استعداد جوشان و خصلتهای جمعی فوق‌العاده ممتاز برخوردار است و در طول تاریخ بعد از اسلام، این همه افتخارات علمی و سیاسی دارد.

قدرتهای خارجی - مدتی انگلیسیها و مدتی هم روسها و دیگر دولتهای اروپایی، و پس از آن امریکاییها - ملت ما را تحقیر کرده بودند. ملت ما هم باور کرده بود که قابلیت و لیاقت کارهای بزرگ را ندارد، سازندگی از او بر نمی‌آید، ابتکار از او ساخته نیست و دیگران باید بر او آقایی کنند و به او زور بگویند! بنابراین، روح غرور و افتخار ملی را در ملت ما کشته بودند؛ ولی امام عزیز ما، روح غرور و افتخار ملی را در ملت ایران بیدار و زنده کردند.

در همان حال که ملت ما از احساسات و نخوتهای بیجای ناسیونالیستی - که استکبار عامل آن، و رژیم منحوس پهلوی مروجش بود - مبرا هستند، اما احساس عزت و قدرت میکنند. امروز ملت ما از دست به دست هم دادن و



توطئه‌ی مشترک شرق و غرب و ارتجاع نمی‌ترسند و احساس ضعف هم نمی‌کنند. جوانهای ما احساس میکنند که خودشان میتوانند کشورشان را بسازند. مردم ما احساس میکنند که قدرت و توان آن را دارند که در مقابل تحمیلها و زورگوییهای شرق و غرب بایستند. این روح عزت و خودباوری و غرور ملی و افتخارات حقیقی و اصیل را امام (ره) در ملت ما زنده کرد.

و بالاخره دهمین کار بزرگ او، اثبات این نکته بود که «نه شرقی و نه غربی»، یک اصل عملی و ممکن است. دیگران خیال میکردند که یا باید به شرق متکی بود و یا به غرب، یا باید نان این قدرت را خورد و ستایشش کرد و یا آن قدرت را! فکر نمی‌کردند که یک ملت بتواند هم به شرق و هم به غرب «نه» بگوید و بایستد و بماند و خود را روزبه‌روز ریشه‌دارتر کند؛ اما امام (ره) این نکته را ثابت کرد.

من ده محور از کارهای بزرگ امام (ره) را برشمردم؛ اما اگر بنشینیم فکر کنیم، کارهای بزرگ را در پرونده‌ی منور این مرد الهی چندین برابر خواهیم یافت. در این جا دو نکته را یادآوری میکنم:

نکته‌ی اول: کسانی که با امام در افتادند، خودشان را روسیاه کردند. بدبخت آن کسانی هستند که به خاطر شادکردن دل صهیونیستها و خوشحال کردن امریکا و پُر کردن کیسه‌ی خود از پولهای نفت ارتجاع، حقیقت را پوشاندند و با امام ما در افتادند. روسیاه آن کسانی هستند که میتوانستند زیر بالهای مهربان این پدر و استاد و معلم قرار بگیرند و از او منتفع شوند؛ ولی به بخت خودشان لگد زدند و به آغوش دشمنان او پناه بردند و الان در اروپا و امریکا و امریکای لاتین و عراق و بعضی کشورهای دیگر سرگردانند.

این بیچاره‌ها و روسیاهها هنگامی که داخل کشور بودند، قطره‌یی در مقابل اقیانوس محسوب میشدند؛ اما نمی‌فهمیدند که چه قدر ناچیز و کوچکنند. مراسم ارتحال آن بزرگوار به همه فهماند که امام (ره) چه کسی بود و ملت کجاست و چه می‌گوید و چگونه میانیدشد و چه می‌خواهد و همچنین مخالفان چه کسانی هستند و کجایند. خدا کند برای خودشان هم دیگر این اشتباه باقی نمانده باشد که خیال کنند چیزی و کسی هستند.

آنها حقیقتاً به خودشان جفا کردند که در مقابل امام (ره) ایستادند. آینده و افتخار متعلق به کسانی است که پشت سر امام حرکت کردند؛ یعنی قشر عظیم متن ملت و همه‌ی آحاد مردم. شما مردم نشان دادید که یاران و وفاداران و مخلصان امام هستید و بر این یاری و وفاداری و اخلاص پایدارید.

نکته‌ی دوم این است که امام خصوصیات ممتاز فردی خیلی داشت؛ اما توفیقات او بالاتر از آن بود که به خصوصیات فردی یک انسان - هرچه هم بالا - متکی باشد. شجاعت و آگاهی و عقل و تدبیر و دوراندیشی امام بسیار ممتاز بود - در اینها هیچ شکی نیست - اما توفیقاتی که آن بزرگوار به دست آورد، خیلی بالاتر از این است که به شجاعت و عقل و تدبیر و آینده‌نگری زیاد یک انسان متکی باشد.

آن توفیقات از جای دیگر نشأت میگرفت، که در درجه‌ی اول از اخلاص او ناشی میشد؛ «مخلصین له الدین». مخلص خدا بود و کار را فقط برای او - ولاغیر - انجام میداد. لذا اگر همه‌ی دنیا هم در مقابل او قرار میگرفتند و از او چیزی میخواستند که مورد رضای خدا نبود، انجام نمیداد.



در درجه‌ی دوم، توکل و حسن ظن به خدا داشت. هیچ کاری در نظر او خارج از قدرت الهی نبود. کارهای بزرگ، حرکت‌های عظیم، کندن کوه‌های راسخ و جبال راسیات برای او میسور بود؛ چون عقیده داشت که به خدا متکی است و خدا او را کمک میکند؛ و چون به خدا توکل داشت، لذا با حسن ظن مینگریست.

روزی که او نهضت را شروع کرد، کسانی که فکر کنند می‌شود نهضتی بر پا کرد، خیلی کم بودند. آن روزی که او شعار اسقاط رژیم سلطنت را داد، کسانی که فکر کنند می‌شود رژیم سلطنت در ایران ساقط شود، بسیار معدود بودند. آن روزی که سیاست «نه شرقی و نه غربی» را اعلام کرد، کسانی که فکر میکردند می‌شود بدون اتکای به شرق و غرب حکومتی داشت و آن را نگهداشت و اداره کرد، بسیار نادر بودند. آن روزی که گفت: «امریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند»، کسانی که باورش‌ان باشد که امریکا نسبت به امام و امتش هیچ غلطی نمیتواند بکند، خیلی کم بودند.

او تمام این کارهای بزرگ را به خاطر توکل به خدا انجام داد و میدانست که میتواند انجام دهد. البته برای او، انجام شدن کار هدف نبود. او میگفت: من وظیفه‌ام را انجام میدهم. پیروزی او به این بود که بتواند وظیفه‌اش را انجام دهد. در نظر امام (ره)، پیروزی این نبود که انسان بتواند آن کاری را که میخواهد، انجام بدهد؛ در نظر او، پیروزی این بود که انسان بر طبق تکلیف خود عمل کند. با این روحیه و احساس و انگیزه، او کار را پیش برد و ادامه داد.

امام دو خصوصیت دیگر هم داشت، که این هم جز با نورانیت الهی ممکن نبود، و آن عبارت بود از: دشمن‌شناسی و دوست‌شناسی. در شناخت دشمنها و دوستها اشتباه نکرد. از اول دشمنها را شناخت و آنها را اعلام کرد و تا آخر هم در مقابلشان ایستاد، و نیز از اول دوستها را شناخت و آنها را اعلام کرد و تا آخر هم از دوستی آنها منتفع شد.

او همیشه بر مردم و ملت‌ها تکیه میکرد. در سفری که میخواستیم به خارج از کشور بروم، خدمت امام بزرگوارمان رفتیم. در آن زمان جریانی وجود داشت، که به ایشان گفتم در دنیا نسبت به این جریان علیه ما خیلی حرف است. (البته میخواستیم به ایشان گزارش بدهم؛ والا من هم هیچ رعب و خوفی از آن جنجال‌های جهانی نداشتم و بعداً هم وارد آن ماجرا شدم). ایشان تمام خبرهای دنیا را همیشه به صورت نزدیک و نقد در اختیار داشتند و غالباً خبرهای جهانی را زودتر از دیگران به دست می‌آوردند. امام (ره) در پاسخ من با لبخند رضایتی گفتند: بلی، اطلاع دارم؛ اما همه‌ی ملت‌ها با ما هستند. واقعاً همین‌طور بود که ایشان میفرمودند. در همان سفر، آن‌چنان حضور ملت‌ها در کنار ما آشکار شد که همه را مبهوت کرد. بنابراین، او هم دوستانش را میشناخت، و هم دشمنانش را. از دوستانش منتفع میشد و به آنها اعتماد و تکیه میکرد. بزرگترین دوستانش شما ملت وفادار بودید، و امام چه خوب شما را شناخته بود.

ما باید با تکرار این حقیقتها، یک هدف را دنبال کنیم و آن، درس گرفتن است ولاغیر؛ والا صرف ستایش کردن فایده‌ی ندارد؛ بلکه گاهی هم مضر است؛ زیرا وقتی که خیال کنیم او کارها را انجام داده است، تصور میکنیم که دیگر کاری به عهده‌ی ما نیست.

گر نماز آن بود کان مظلوم کرد

دیگران را زین عمل محروم کرد



ما آن بزرگوار و انسان والا و مقتدا و قائد را ستایش میکنیم، تا خودمان را به او نزدیک سازیم و راهش را ادامه دهیم. تقوای خدا بر همه‌ی امور زندگی او حاکم بود؛ ما نیز باید تقوای خدا را ملاک همه‌ی امورمان بشماریم. اصل قضیه تقواست. تقوا، یعنی مراقب باشیم برخلاف اراده‌ی الهی حرکتی از ما سرزنند.

پروردگارا! به محمد و آل محمد تو را سوگند میدهیم، امام عزیزمان را با برترین و محبوبترین و مقربترین بندگان محشور بفرما و به او بهترین جزا و پاداش را عنایت کن.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

والعصر. انّ الانسان لفی خسر. الا الذین امنوا و عملوا الصّالحات. و تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصّبر.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله ربّ العالمین والصّلاة والسّلام علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی علیّ امیرالمؤمنین و صدیقه الطاهرة سیّدة نساءالعالمین و الحسن و الحسین سبطیالرّحمة و امامی الهدی و علیّ بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المهدي حججک علی عبادک و امنائک فی بلادک و صلّ علی ائمةالمسلمین و حماةالمستضعفین و هداة المؤمنین. اوصیکم عبادةالله بتقوی الله

در این خطبه مایلیم در گفتار کوتاهی، نگاهی به آینده بیندازیم. اولاً، از خبرگان منتخب مردم به خاطر حسن ظنی که به این بنده‌ی حقیر ابراز داشتند و مسؤولیت بزرگ و سنگینی را بر دوش من نهادند، تشکر میکنم. ثانیاً، از آحاد ملت بزرگ ایران و گروههای پُرشور و وفادار که در طول این مدت به عنوان بیعت و اعلام وفاداری، با پیام و حضور و پیاده‌روی و تهیه‌ی طومار و غیره، تأیید و حمایت خودشان را اعلام داشتند، صمیمانه و با همه‌ی وجود تشکر میکنم و به خاطر وفاداری بی‌نظیرشان نسبت به امام و مقتدای بزرگ امت در طول چهل روز عزای عمومی، سپاسگزارم.

آنچه شما ملت ایران از خود نشان دادید، یقیناً درس بزرگی خواهد بود که در طول تاریخ به ثبت خواهد رسید. از برادران عزیز کشورهای دیگر و مسلمانان سراسر عالم که در این عزای بزرگ با ملت ایران هم‌نواپی کردند و همدردی نشان دادند و یاد امام و قائد بزرگ ما را گرامی داشتند، صمیمانه تشکر میکنم. به میهمانان عزیز جمهوری اسلامی نیز که جمع کثیری از آنها در نماز حضور دارند، خیر مقدم می‌گوییم و از حضورشان در جمهوری اسلامی و احترامشان به امام بزرگوارمان متشکریم.

برادران و خواهران عزیز و ملت بزرگ ایران! حضور و اجتماع و وحدت کلمه‌ی شما در این مرحله‌ی بسیار حساس، بزرگترین پیروزی را به جمهوری اسلامی داد. بارها تکرار کرده‌ایم که دشمنان ما به این مرحله - فقدان امام (ره) - چشم امید دوخته بودند. بحمدالله با حرکت قاطع شما، طلسم دشمن شکسته شد و خواب و خیال باطل از چشمش رخت بریست.



ملت ایران در این مرحله، بهترین حرکت و موضعگیری را انجام داد؛ اما باید به همه‌ی برادران و خواهران عزیز در سراسر کشور بگویم که ما برای سازندگی کشور و تداوم راه امام عزیزمان و تحقق آمال و آرزوها و آرمانها و اهداف این انقلاب الهی و بزرگ، راهی طولانی در پیش داریم. یقیناً دشمنهای کینه‌ورز و توطئه‌گر و خدعه‌گر حاضر نیستند از دشمنی خود با اسلام و جمهوری اسلامی دست بردارند.

شما در طول این ده‌سال ونیمی که از پیروزی انقلاب گذشته، بارها به دشمن توهنی زده‌اید و او را دچار شکستیخفت‌بار کرده‌اید؛ اما باز هم دشمن دست به توطئه و خدعه و خباث خواهد زد. البته او انتظار دارد که ملت ایران دهها بار دیگر هم در مقابله با توطئه‌های خبیثانه‌اش، مشت محکم خود را به دهان و سینه‌ی او بکوبد و ان‌شاءالله خواهد کوبید. برای این کار، بیداری ملت ایران و وحدت کلمه‌ی شما مردم همیشه لازم است.

در یک موازنه‌ی حقیقی و با توجه به معیارهای الهی و واقعی، شما از همه‌ی دشمنان قویترید؛ در این هیچ شکی نیست. ثروتهایی که در اختیار قدرتهای جهانی است، وسایل تبلیغاتی که آنها دارند و سلاحهای مدرنی که به آن میبالند، قدرت ظاهری است؛ نباید گول خورد و زرق و برقها و ظاهر کارها را ملاک قرار داد. اگر قرار بود اینها دشمن را به اقتدار حقیقی در مقابل ما برساند، ما باید حالا در دنیا وجود نمیداشتیم و جمهوری اسلامی باید یک افسانه میبود؛ میبینید که این‌طور نیست.

قدرت واقعی، عبارت است از قدرت ملتی که اولاً آگاه باشد پیرامون او چه میگذرد، ثانیاً به حق و راه خود ایمان داشته باشد، ثالثاً تصمیم بگیرد که این راه را ادامه دهد. اگر ملتی این سه خصوصیت را داشت، هیچ قدرتی در دنیا از او قویتر نیست.

ما از حق خودمان دفاع میکنیم. ما که نمیخواهیم به حقوق دیگران دست‌اندازی کنیم. ما که قصد توسعه‌طلبی نداریم. ما که برای دخالت در امور دیگران، به آن سمت دنیا لشکرکشی نمیکنیم؛ اما دشمنان ما این کارها را میکنند. بنابراین، آنها محکوم به شکستند.

ما داریم از حیثیت و شرف و دین و انقلاب و حقوق انسانی و استقلالمان دفاع میکنیم. هر ملتی که از حقوق حقیقی خود با آگاهی و ایمان و تصمیم دفاع کند، قطعاً پیروز خواهد شد. بنابراین، ما از دشمنهامان قویتریم؛ منتها توجه کنید که قویتر بودن وقتی به کار می‌آید که بیدار باشیم. یک آدم قوی و پهلوان، هرچه هم که قوی باشد، اما اگر در خواب بماند، ممکن است بچه‌ی هم به او ضربه بزند. باید بیداری را حفظ کنید.

قوت و قدرت ما هنگامی بروز میکند که ملتی یکپارچه باشیم. اگر بین ما اختلاف و دودستگی شد، بگومگو رخ داد، جریانهای مختلف پدید آمد و قدرت‌طلبی شد، قدرتمان را از دست خواهیم داد؛ «و تذهب ریحکم» (1). اختلاف، اصلاحیات و آبرو و اقتدار را از هر ملتی میگیرد. اگر شما وحدت کلمه را حفظ کنید، این قدرت میماند.

باید برای حرکت، کمرمان را محکم ببندیم. ما دیگر جنگ نظامی نداریم؛ اما جنگ با موانع سازندگی پیش روی ماست. باید کشورمان را بسازیم، و این کار بزرگی است که در راه آن موانعی وجود دارد. باید با این موانع جنگید و آنها را از سر راه برداشت. این موانع ممکن است تنبلی و بیبرنامگی و بی‌قانونی و نداشتن نیروی لازم باشد. هرچه



که هست، باید آنها را از سر راه برداریم و ایران را بسازیم.

اسلام و جمهوری اسلامی باید نشان دهد که میتواند ایران را چنان بسازد که در طول تاریخ کشورها، با این کیفیت ساخته نشده باشد. این هنر را اسلام و ملت مسلمان ما دارند. مردم همت کنند و با وحدت کلمه و خلوص و اخلاص و حضور در صحنه، کشور را بسازند و آباد کنند. ببینید مسؤولانی که مورد اعتمادتان هستند - جا هم دارد که مورد اعتماد باشند - از شما چه میخواهند؛ آن را انجام دهید. با همکاری شما مردم، تمام موانع برطرف خواهد شد.

این که ما میگوییم بر دشمن پیروز بشویم، یعنی کشور را بسازیم. دشمن نمیخواهد ما کشور خود را آن چنان که شایسته‌ی یک ملت انقلابی و بزرگ است، آباد و آزاد و آراسته و پیراسته بسازیم.

ما در اداره‌ی داخلی کشور و در ارتباطات خارجی، از اصول انقلابی و اسلامی پیروی خواهیم کرد و دقیقاً همان راهی را که امام (ره) میپیمود، طی خواهیم کرد. با حضور شما مردم در صحنه، هر ناممکنی ممکن، و هر مشکلی آسان خواهد شد.

در پایان لازم میدانم عید سعید قربان را به همه‌ی شما برادران و خواهران عزیز نمازگزار و ملت ایران و مسلمانان جهان تبریک عرض کنم. تقدیر الهی این بود که پایان چهل روز عزاداری ملت ایران، روز عید قربان باشد. این هم نگاه روشنی به آینده است. البته یاد امام (ره) هرگز از دل ما نخواهد رفت و عزای او در قلب ما تمام نخواهد شد. دیروز فرزند عزیز و یادگار گرانبه‌ای امام بزرگوارمان - حجة الاسلام آقای حاج سید احمد آقا - بر سر مزار پدر بزرگوارشان به شما مردم گفتند که عزاداری در چهل روز تمام شد، و خواستند که مردم لباسهای سیاه را بکنند و لباس کار و تلاش بپوشند.

یاد امام هرگز از دل و جان ما رخت نخواهد بست. امام عزیز! مگر ممکن است ما تو را فراموش کنیم؟ یقیناً این غم بزرگ همچنان ما را تا سالهای متمادی همراهی خواهد کرد. امام عزیز! ما از امروز - که عید قربان است - باز هم به خاطر تو زندگی و تلاش را شروع میکنیم؛ چون تو این راه را میخواستی و میپسندیدی و میطلبیدی.

برادران و خواهران عزیز! تقوا پیشه کنید. امام ما مظهر تقوا و پرهیزگاری و پارسایی بود.

السلام علی ابناء امتنا الاسلامية فی کل مکان. اتقدّم اولاً بأحرّ التهانی لكل المسلمین رجالاً و نساءً بمناسبة عید الاضحی المبارک اعاده الله علی المسلمین و هم یرفلون باثواب العزّة والسؤدد و وفق ابناء امتنا لاستلھام ما فی هذا العید الکبیر من دروس فیالتضحیة والفداء و تسلیم الوجه لله الواحد الاحد القهار.

و بمناسبة اربعینية وفاة القائد الاسلامی الکبیر و إمام الامة الاسلامیة والاب الرؤوف بها عبد الله الصالح الامام الخمينی (رضوان الله تعالی علیه) اعزى امتنا الاسلامیة سائلاً الله سبحانه ان یحسن لها العزاء و یجزل لها الاجر فیالمصاب و انالله و انا الیه راجعون.

حیة الامام الخمينی (اعلی الله کلمته) کانت درساً حیّاً فی جمیع ابعاد الاسلام.



علمنا اولاً ان نوحّد الله في كل حركاتنا و سكناتنا و ان نبتغى وجهه وحده و ان نخشاه و لانخشى سواه.

اقيمت الدولة الاسلامية الكريمة بفضل الله و عونہ، و تصاعد الجهاد الاسلامى لاقامة حاكمية الله في افغانستان و انتفاض الشعب الفلسطينى ليستعيد عزته و كرامته بعد اربعين عاماً من الهوان و تحرّك المسلمون على طريق الرسالة في بقاع مختلفة من ارض المسلمين.

ليس من الميسور الحديث عن عظمة الامام الخمينى في الصحوۃ الاسلامية المعاصرة، و لمكانته الكبيرة هذه عقد اعداء الاسلام الامل على غيابه عن الساحة، ظنوا ان هذه الانتفاضة الاسلامية العالمية ستخبو بعد وفاته، لكنهم خابوا و خسوا حينما شاهدوا ان الامام الراحل العظيم تحول الى امة عقدت العزم على ان تواصل طريقه، و ان تحت الخطى لتحقيق الاهداف التى عاش من اجلها هذا الرجل الكبير.

لقد شهد العالم بعد وفاة الامام القائد (رفع الله قدره) عاصفة من الاسى والحزن عمّت المسلمين في كل بقاع العالم، لكنه كان اسى و حزناً ممزوجين بالعهد الحازم على مواصلة الطريق و بالميثاق المؤكد على الالتزام بالمبدأ والعقيدة والجهاد لاعلاء كلمة الله.

كانت كلمة الامام الراحل (قدس سره) كلمة الاسلام، و كلمة الاسلام هيا الكلمة الطيبة التى اصلها ثابت و فرعها فى السماء تؤتى اكلها كل حين باذن ربها.

الميسرة التى بدأها الامام الخمينى (رضوان الله عليه) متواصلة باذن الله حتى تحقيق الاهداف الاسلامية الكاملة و بالله التوفيق.

اوصيكم عباد الله بتقوي الله و استغفر الله لى و لكم.

بسم الله الرحمن الرحيم

اذا جاء نصر الله و الفتح. و رأيت الناس يدخلون فى دين الله افواجا. فسبح بحمد ربك و استغفره انه كان تواباً.

والسلام عليكم و رحمة الله